

تحلیل جامعه‌شناختی همگرایی کردها و عرب‌های ایلام و نقش آن در احساس امنیت پایدار^۱

نوع مقاله: پژوهشی

* حسن کاظمی‌نیا

E-mail: dr.hassankazemi.54@gmail.com

** طهمورث شیری

E-mail: shiri.tahmures@gmail.com

*** رضا صفری‌شالی

E-mail: reza_safaryshali@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۳

چکیده

استان ایلام دارای ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با عراق است. مرزی بودن استان و سکونت اقوام در آن به سبب وجه اشتراک بارز شیعی بودن مردمان آن موجب شده است مردم ساکن در آن در مقاطع گوناگون از جمله دفاع مقدس نقشی بی‌بدیل در ایجاد امنیت پایدار ایفا کنند. سؤال این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر همگرایی میان دو گروه مرزنشین کرد و عرب بر میزان احساس امنیت پایدار است. این نوشتار در پی شناسایی عوامل مؤثر بر همگرایی کردها و عرب‌ها و تأثیرات آن بر احساس امنیت پایدار است. روش اجرای این تحقیق پیمایشی، جامعه‌ی آماری آن شهرهای دو قومیتی حوزه جنوبی استان ایلام است. روش نمونه‌گیری آن به صورت چندمرحله‌ای (خوشه‌ای و تصادفی) و حجم نمونه آن براساس فرمول عمومی کوکران ۵۰۰ نفر است. براساس یافته‌های تحقیق همگرایی اقوام بر امنیت پایدار تأثیر مستقیم دارد و به ترتیب بیشترین تأثیر را بر ابعاد امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت جهانی دارد. از عوامل بررسی شده‌ی مؤثر بر تقویت همگرایی این دو قوم: سن و دخالت بیگانگان در دو بعد میزان استفاده و میزان اعتماد به بسته‌های فرهنگی و خبری رسانه‌های بیگانه، تأثیر معکوسی بر میزان همگرایی اقوام دارند. از عوامل شناسایی شده‌ی دیگر که به صورت معنی‌دار بر تقویت همگرایی اقوام مؤثر است، متغیرهای تأثیر دخالت نخبگان سیاسی، سرمایه‌ی فرهنگی، تحصیلات، ملی‌گرایی، دین‌گرایی، تصور مردم از فضای سیاسی، اداری و سابقه‌ی ازدواج بیرون‌گروهی در نزدیکیان، بیشترین تا کمترین تأثیر را بر همگرایی در میان کردها و اعراب ساکن در استان ایلام دارند.

کلید واژه‌ها: امنیت پایدار، اقوام، ایلام، کرد، عرب، همبستگی.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی مؤلفه‌های امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران» از دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز در سال ۱۳۹۸ می‌باشد.

* دانش‌آموخته دکتری گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

** دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، نویسنده‌ی مسؤل

*** استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسأله

در جوامع متنوع، همزیستی امری مهم است. این امر منوط به اتخاذ رهیافتی است که بتواند در عین کثرت، وحدت در منش ملی را محقق سازد. همگرایی مستلزم قبول دیگری و تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی است؛ این مهم فقط در سایه‌ی نوعی تکثرگرایی و اندیشگی میسر خواهد شد که نشأت گرفته از فرامین الهی است که، ملتها و قبایل را به‌عنوان یکی از آیات و نشانه‌های قدرت بیکران خویش معرفی کرده است و هر نوع تلاشی در راستای محو تفاوت‌های فرهنگی، از میان برداشتن سنتی از سنن حاکم بر جهان متنوع آفرینش است.

امپراطورهای بزرگ تاریخ همواره در برگیرنده‌ی اقوام و نژادهای گوناگون بوده‌اند. امروزه نیز کشورهایی چون ایران با چند پیشینه، ترکیب متنوعی دارند. امپراطوری پهناور ایرانیان از آن هنگام که پنج دریای بزرگ جهان را در سیطره خود داشت بستر مناسبی برای حضور اقوام مختلف فراهم آورد. «به نوشته «هرودت» در سپاه کوروش نزدیک به چهل و نه قوم از نژادها و فرهنگ‌های مختلف حضور داشته‌اند. این اقوام آزاد بودند اعتقادات و آداب و رسوم خود را حفظ کنند و در میان آنها قوم برتری که به واسطه‌ی تسلط نژادی یا تحمیل، موجبات نارضایتی و رنجش دیگر اقوام را فراهم آورد، وجود نداشت». (پیرنیا، ۱۳۴۲: ۱۴۶۰) زندگی اجتماعی انسان با برقراری روابط متقابل و حضور در گروه‌های مختلف اجتماعی معنا پیدا می‌کند. افراد جامعه از طریق گروه‌های اجتماعی به شبکه روابط اجتماع بزرگ یعنی جامعه پیوند می‌خورند و از آن طریق نیازهای زیستی، اجتماعی و روانی خود را تأمین می‌کنند.

در اثر گذشت زمان همسانی و همگونی سبب نزدیکی افراد گروه‌ها به یکدیگر می‌شود، از طرفی پراکندگی انسان‌ها در مناطق مختلف جهان باعث پدید آمدن گروه‌های اجتماعی می‌شود که در اثر تأثیر آب و هوا، شرایط زندگی، محیط طبیعی و موقعیت اجتماعی - اقتصادی ویژگی‌های خاصی نسبت به سایر گروه‌ها پیدا می‌کنند.

استان مرزی ایلام در غرب ایران با توجه به همسایگی با استان‌های کرمانشاه، خوزستان از دیر باز سکونت‌گاه دنباله‌ی اقوام مذکور در جغرافیایی این سرزمین است؛ این در حالی است که دنباله‌ی کردها و عرب‌ها در استان ایلام را باید در آن سوی مرزها و در کشور همسایه عراق جست‌وجو کرد که تنوع قومی از یک‌سو و همگرایی میان اقوام و نقش آنها در جنگ تحمیلی و ایجاد امنیت پایدار در کشور، آن را به منطقه‌ای قابل تأمل و مستعد تحقیق مبدل کرده است؛ این تنوع ذاتاً از این قابلیت برخوردار است، ضمن

آن‌که اگر فرصتی فرهنگی تلقی شود می‌تواند در دیگر سوی، در صورت توجه و دخالت بیگانگان و رسانه‌های معاند در عصر جهانی‌شدن و شکسته شدن مرزهای جغرافیایی محملی برای تنش، واگرایی و درگیری‌های قومی باشد و تبدیل به مسأله‌ای امنیتی شود. ذکر این نکته ضروری است که همگرایی نسبی و هم‌چنین عدم سابقه تنش و درگیری میان افراد ساکن در استان ایلام هم در پیروزی انقلاب اسلامی و هم در جنگ تحمیلی بستری را برای نظام سیاسی فراهم کرده است که از فرصت موجود در راستای افزایش حس ناسیونالیسم ملی در جهت تقویت منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و احساس امنیت پایدار در منطقه استفاده کند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که همگرایی میان گردها و عرب‌ها تا چه میزان در احساس امنیت پایدار در منطقه تأثیرگذار است.

بررسی پژوهش

در بررسی پیشینه‌ی پژوهش به‌رغم تلاش محقق، پژوهش‌هایی مشخصاً با موضوع رابطه میان همگرایی اقوام در استان ایلام موردی یافت نشد، لذا در پیشینه‌ی تحقیق به سوابق پژوهش‌هایی، با کلیدواژه‌ی اقوام و امنیت پایدار که در سنوات اخیر در سایر مناطق ایران انجام شده است، اشاره می‌شود.

- محمدعلی بصیری و محسن باقری (۱۳۹۵) در کتاب امنیت پایدار ضمن بررسی نظریه‌های امنیت پایدار، ابعاد و مؤلفه‌های امنیت پایدار، در پایان این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که بررسی ارکان امنیت پایدار یعنی مرجع امنیت، تهدیدات و چگونگی تأمین امنیت نشان داد که با توجه به اهمیت رابطه دولت و جامعه ایجاد امنیت پایدار، لازم است با کمک سرمایه اجتماعی ضمن تعمیق این ارتباط و افزایش اعتماد بین آنها به‌عنوان عناصر اصلی برقراری امنیت پایدار، به کلیه ابعاد امنیت نیز توجه شود.

- جواد بذرافشان و مهرشاد طولابی نژاد (۱۳۹۵) در مقاله تحلیل اثرات و کارکردهای سرمایه اجتماعی در امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که امنیت یکی از نیازهای اساسی زندگی محسوب می‌شود و تداوم هر جامعه مرهون حفظ و بقای امنیت است و سرمایه اجتماعی از ابزارهای الزام آور در امنیت پایدار محسوب می‌شوند. نتایج تحقیق درباره‌ی سنجش و بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف امنیت پایدار، نشان دهنده‌ی تأثیر مثبت در کلیه شاخص‌های مورد نظر تحقیق است.

- کاظمی‌نیا، حسن (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان: نگاهی تبیینی به تحریک‌پذیری اقوام

در ایران و نقش آن در آینده‌ی سیاسی جمهوری اسلامی ایران این‌گونه نتیجه می‌گیرد: عضویت در گروه قومی نقش مهمی در شکل دادن به عقاید، نگرش‌ها و رفتار افراد جامعه دارد. در شرایط کنونی در ایران عوامل و زمینه‌های گوناگونی پدید آمده است تا نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی را در سطح سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... بر اقوام تحمیل و بدین طریق آرامش جمعی را در میان آنها برهم زند. قطعاً آنچه در حال رقم خوردن است بستری غیرطبیعی دارد و حاکی از برنامه‌ریزی دشمنان از یک‌سو و ضعف‌های مدیریت افکار عمومی از سوی دیگر است.

- امیرحسین یآوری بافقی و حمید مستجابی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان: تحلیلی بر تأثیر همگرایی ملی اقوام ایرانی بر امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران، این‌گونه نتیجه می‌گیرند: همبستگی ملی یکی از مهم‌ترین عوامل حیات دولت‌های کنونی است که به واسطه‌ی آن هویت هر ملتی تکوین یافته و بقا و تداوم آن در طول زمان میسر می‌شود. ایران از جمله کشورهایی است که از قومیت‌های مختلف تشکیل شده است، این قومیت‌ها در نواحی پیرامون کشور، در اطراف بخش مرکزی قرار دارند، این گروه‌های قومی، دنباله‌ی جغرافیایی به صورت کشور مستقل یا به صورت گروه‌های اقلیت در آن سوی مرزهای سیاسی ایران دارند که با یکدیگر تعاملات مختلفی دارند.

- قاسمی، یارمحمد (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان: مناسبت قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی ایلام، به این نتیجه می‌رسد که افزایش مناسبات متقابل بین قومی، در حوزه‌های تعاملی معیشتی، اقتداری، عاطفی و فکری، تعلق، همگرایی و وفاداری اقوام به هویت‌های جمعی فرا قومی را تقویت می‌کند و کاهش این مناسبات به تقویت واحدهای جمعی فرد و تضعیف واحدهای جمعی کلان منجر می‌شود.

- حسین قریبی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان: پویایی جمعیت منطقه و تأثیر آن بر امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران، پویایی جمعیت را یکی از مهم‌ترین مسائل در ایجاد و حفظ امنیت کشورها می‌داند. هم‌چنین مسائلی از جمله: بهداشت و درمان، تنازعات سیاسی جرایم فرامرزی، قاچاق کالا، بحران‌های سیاسی، اجتماعی، جنگ‌های داخلی، و موضوعات مشابه آن را موضوعاتی می‌داند که امنیت پایدار کشورها متأثر از آن است.

- احمدی، حمید (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان: بررسی نقش اقوام ایرانی در امنیت پایدار و رابطه‌ی بین قومیت در ایران به دو روی یک سکه‌ی قومیت، یعنی توجه به مسأله‌ی اقوام ایرانی، هم به عنوان فرصت و هم به عنوان چالش در تأمین امنیت پایدار،

عنایت داشته است. احمدی در این پژوهش راهکارهایی را برای تقویت نقش مثبت اقوام ایرانی در تأمین امنیت ملی ارائه کرده است.

- قهرمانی، علی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان: بررسی تأثیر همگرایی ملی در امنیت پایدار با تأکید بر استان آذربایجان غربی، وضعیت اقوام و مقایسه تأثیرات آن بر امنیت و نحوه‌ی اثرگذاری اقوام بر امنیت پایدار را بررسی می‌کند. و در پایان به دو قطبی بودن زمینه‌های قومی اشاره و توصیه می‌کند که سیستم حکومتی، راهبردهای مناسبی را با توجه به اصل تنوع، اتخاذ کند.

- آک (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه‌ی برنامه‌های صداوسیما با همگرایی مطالعه‌ی موردی استان آذربایجان غربی» بر توان رسانه‌های جمعی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در زمینه‌ی وحدت ملی تأکید می‌کند. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی و از نوع پیمایشی بوده و با بررسی نمونه‌ای ۸۰۰ نفری، به این نتیجه رسیده که میزان تماشای برنامه‌های صدا و سیما با متغیرهای باورهای دینی مشترک - هویت اقوام - همزیستی مسالمت‌آمیز و رشد فرهنگ مشارکت اقوام رابطه مثبتی دارد.

- زینال‌نژاد، حسن (۱۳۸۸) در تحقیقی که تحت عنوان بررسی راه‌های همگرایی با تأکید بر گردها و آذری‌ها در شهرستان ماکو انجام داده با استفاده از پرسش استاندارد و با طیف لیکرت داده‌های لازم را از تعداد ۳۸۲ نفر گردآوری کرده است. نتایج تحلیل داده‌های این تحقیق نشان داد که در شهرستان ماکو ۵ متغیر ۱- تأکید بر اشتراکات دینی ۲- تأکید بر موارث فرهنگی و پیشینه‌ی تاریخی مشترک ۳- توجه به عمران، آبادی و توسعه‌ی مناطق و کاهش محرومیت‌ها در آن ۴- توسعه اجتماعی ۵- ارتقای سطح ارتباطات اجتماعی در همگرایی نقش دارند.

- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان: امنیت پایدار و سیاستگذاری قومی در ایران به تشریح مفهوم امنیت پایدار به‌صورت مفصل و علمی و نیز شناسایی فرایندها و مؤلفه‌های مؤثر بر سیاستگذاری قومی معطوف به امنیت پایدار می‌پردازد. پورسعید برای این منظور مفهوم امنیت پایدار را در سه بعد مفهومی توضیح داده: امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت جهانی؛ و سپس اقتضائات آنها را در جوامع قومی ایران به بحث گذاشته است. پژوهشگر به این نتیجه رسیده که متناظر با ابعاد امنیت پایدار، سه فرایند ملت‌سازی، توسعه و جهانی شدن و متناظر با این فرایندها سه مؤلفه‌ی سطح قومیت در جوامع قومی، سطح تعادل منطقه و سطح تنوع فرهنگی در سیاستگذاری قومی معطوف به امنیت پایدار مؤثرند.

- افضل‌ی، رسول و ضرغامی، برزین (۱۳۸۸) در پژوهشی که با هدف تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران انجام داده‌اند، نشان داده‌اند که با وجود فرض عموم، تعدد قومیتی در ایران، بالقوه منشأ تهدید و تزلزل انسجام ملی و همگرایی ملی نیست؛ زیرا تعدد قومیتی در ایران نه تنها تضعیف‌کننده‌ی امنیت ملی نبوده بلکه با تکیه بر عناصر پایدار همگرایی، قوامبخش و تداوم‌دهنده‌ی هویت ملی ایرانی است.

مبانی نظری

در این بخش جهت بررسی علمی رابطه‌ی بین همگرایی اقوام و امنیت پایدار و نیز شناخت عوامل مؤثر بر همگرایی، تلاش شده با توجه به زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در چارچوب ادبیات تحقیق مبانی نظری این پژوهش در سه بخش آورده شوند. بخش اول به تبیین نظری امنیت پایدار می‌پردازد. بخش دوم به ارائه‌ی نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی در زمینه‌ی روابط بین اقوام می‌پردازد و در بخش سوم تئوری‌های سیاسی، اجتماعی مرتبط با واگرایی و همگرایی اقوام بیان می‌شوند.

الف) امنیت پایدار

اگرچه تعریفی واحد و مشخص از این مفهوم ارائه نشده است، می‌توان متناسب با دیدگاه‌های مختلف، تعاریفی متفاوت برای امنیت پایدار یافت. برخی امنیت پایدار را ترکیب امنیت ملی و امنیت انسانی و برخی آن را توسعه اقتصادی جهان دانسته‌اند و عده‌ای نیز امنیت پایدار را توجه به توسعه بین‌المللی، رفاه بیشتر و حفاظت از غیرنظامیان فرض کرده‌اند. جرج کنان امنیت پایدار را امنیت ملی به علاوه امنیت انسانی می‌داند و معتقد است برای استقرار امنیت پایدار نه تنها باید بر امنیت دولت‌های ملی تمرکز کرد و حفظ تمامیت ارضی، استقلال و امنیت داخل آن را مد نظر قرار داد، بلکه باید به امنیت انسانی هم توجه کرد که امنیت افراد و اعضای جامعه است. در این دیدگاه گرچه امنیت ملی و امنیت انسانی با هم سازگارند، در عین حال از یکدیگر متمایز هستند. از جمله این تمایزات عبارت است از:

امنیت ملی بر امنیت دولت‌ها تمرکز دارد و امنیت انسانی متمرکز بر امنیت افراد است. امنیت ملی بر توانایی حفظ امنیت شهروندان از تهدیدهای خارجی تأکید دارد، در حالی که در امنیت انسانی بر مدیریت تهدیدها و چالش‌هایی که ممکن است از خارج یا داخل کشور برای مردم به وجود آید، متمرکز است. راهبرد امنیت ملی متمرکز بر تهدیدهای ملموس، پیوسته و مربوط به زمان مشخص است، در حالی که راهبرد امنیت

انسانی بهبود وضعیت بشر در افق دراز مدت است. در این دیدگاه علاوه بر حفظ شهروندان از تهدیدهای خارجی، امنیت و آزادی شهروندان درون جامعه هم مد نظر است تا گروه‌ها و افراد مخمل امنیت آن را تهدید نکنند و افراد اجازه‌ی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد علاقه خود را داشته باشند. می‌توان گفت در کنار ارزش حفظ تمامیت ارضی و بقای نظام سیاسی حاکم بعد نظامی، ارزش‌های دیگری نظیر ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی (بعد اقتصادی)، مردم‌سالاری و چرخش قدرت و حقوق و آزادی شهروندان (بعد سیاسی) در قالب ارزش‌های ملی، به توسعه‌ی دامنه ابعاد امنیت ملی می‌انجامد». (آل مشت، ۱۹۸۵: ۲۴)

در برخی نظریات مربوط به امنیت پایدار، ایجاد و استقرار امنیت پایدار در عمل مستلزم سه‌گام است:

الف) اولویت‌بندی، یکپارچه‌سازی و هماهنگ کردن سیاست‌های توسعه جهانی
ب) استفاده از سیستم کمک‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری‌های راهبردی در توسعه اقتصاد جهانی و جوامع باز

ج) ورود به عرصه بین‌المللی برای رهبری اصلاحات در نهادهای بین‌المللی که مانع استقرار امنیت در جوامع می‌شود، یا ایجاد نهادهای جدید که مورد نیاز مدیریت امنیت جمعی است. (اسمیت، ۲۰۰۸: ۱۲)

در این دیدگاه امنیت پایدار به امنیت در سطح جهانی تعبیر شده و فرض بر این است که امنیت در شرایطی پایدار خواهد بود که توسعه جهانی صورت گیرد و کمک‌های خارجی در جهت توسعه اقتصادی جهانی و جامعه مدنی حرکت کنند و در صورت نیاز اصلاحاتی در سیاست‌های نهادهای بین‌المللی برای توسعه اقتصاد جهانی انجام گیرد یا نهادهای جدید در این زمینه به وجود آیند. در نقد این دیدگاه می‌توان گفت: که امنیت پایدار فقط وابسته به بهبود وضعیت اقتصاد جهانی نیست و نباید امنیت پایدار را با امنیت اقتصادی یکی دانست. توسعه اقتصادی جهان تضمینی برای امنیت جانی، مالی، سیاسی و حتی فرهنگی کشورهای جهان نیست. در حال حاضر برخی کشورها از نظر اقتصادی پیشرفت کرده‌اند، ولی مردمان آنها آزادی و امنیت اجتماعی ندارند. لذا مسائل را تک بعدی دیدن و عامل ایجادکننده امنیت را فقط اقتصادی دانستن، مطابق واقع نیست. به این معنا امنیت پایدار تلفیقی از سه مفهوم امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت جهانی است تا امنیت دولت‌ها را حفظ کند؛ بدون آن‌که امنیت مردم را به خطر انداخته و تهدیدات متوجه امنیت جهانی را تشدید کند.

ب) تئوری‌های روانشناسی اجتماعی روابط بین قومی

رهیافت‌های روانشناسان اجتماعی در زمینه‌ی همگرایی و تضاد قومی در مجموع مشتعل بر سه نظریه‌ی بحران هویت، پیشداوری و یا تعصب، و محرومیت نسبی است که بیشتر توجه خود را بر تبیین پدیده‌ی واگرایی و تضاد بین قومی متمرکز کرده و در نهایت به معرفی عواملی می‌پردازند که باعث افزایش همگرایی بین اقوام می‌شود:

بحران هویت: بحران هویت، الگوی اصلی تحلیل روانشناختی واگرایی اجتماعی مدل روح جمعی گوستاو لوبن است. او معتقد است در حرکت جمعی، هویت فردی در هویت جمعی توده وار ذوب می‌شود و هویت جدید و روح نوینی با عنوان «روح جمعی» پدید می‌آید که اگر حرکت جمعی، برخاسته از شکاف‌هایی باشد که قدرت بسیج بالایی دارند، واگرایی و تضاد قومی تبدیل به خشونت می‌شود (ایوبی، ۱۳۷۷: ۳۳) این نظریه معتقد است: بحران هویت می‌تواند تبیین‌کننده‌ی حرکات قومی باشد، ولی تمسک به تاریخ جمعی، زبان، فرهنگ و گذشته‌ی مشترک می‌تواند نوعی پیوند و همبستگی جمعی را پدید آورد که در مقابل دیگر اجتماعات، هویتی مستقل می‌پذیرد. (ایوبی، ۱۳۷۷: ۳۴) اسمیت معتقد است، ریشه تضادهای قومی در نیاز به ایجاد جوامع قومی برای کسب هویت جمعی و همبستگی ملی نهفته است (اسمیت، ۱۹۸۶: ۱۲۷) تئوری بحران هویت، گویای این مهم است که واگرایی و تضاد قومی، محصول شکاف هویتی مرکز و پیرامون است.

تعصب و پیش‌داوری: تعصب در طول تاریخ، همیشه همگرایی را به چالش کشیده است. تمایز و تفاوت گروه‌ها در سطح جامعه، هسته‌ی اصلی پدیدی پیش‌داوری و حکم پیش ساخته‌ی منفی است (برگ، ۱۹۷۸: ۵۶۹) تصورات ثابت و قالب‌های فکری و پیش‌داوری، اغلب ناظر بر تعمیم‌های ناروا نسبت به افراد، گروه‌های نژادی، قومی و مذهبی است که غیرخودی محسوب می‌شوند و شیوه‌های رفتار خودی را نسبت به غیرخودی شکل می‌دهند. (مقصودی، ۱۳۷۹: ۲۰۸)

رابرتسون تعصب را این‌گونه تعریف می‌کند: به‌طور کلی تعصب عبارت است از گرایش غیرمنطقی و غیرقابل انعطاف نسبت به یک دسته از مردم، جنبه واقعی تعصب این است که همواره ریشه در تعمیم‌ها دارد و لذا تفاوت‌های افراد را نادیده می‌شمارد. (رابرتسون، ۱۳۷۹: ۲۰۸) اصولاً پیش‌داوری و تعصب هم عامل زمینه‌ساز برای بروز

واگرایی قومی و هم توجیه‌کننده‌ی روابط نابرابر و تبعیض‌آمیز آنهاست.

محرومیت نسبی: از نظر الیوت ارونسون، محرومیت نسبی که از مقایسه‌ی وضع خود با دیگران حاصل می‌شود از جمله ناکامی‌هایی است که می‌تواند موجب بروز تضاد و

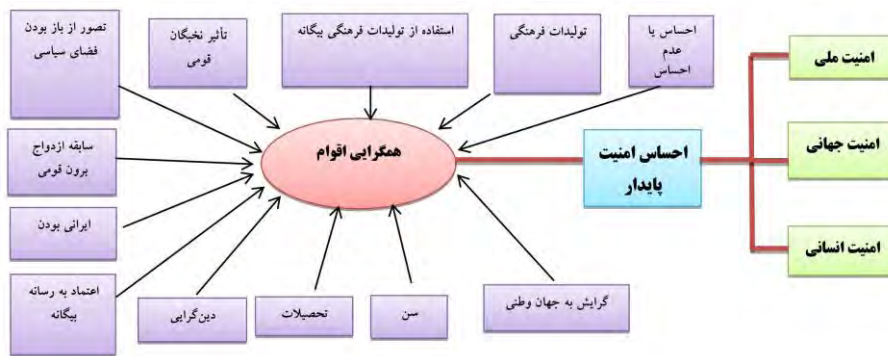
جنبش‌های قومی شود. (ارونسون، ۱۳۷۰: ۷۵) براساس نظر رابرت گر نابرابری‌ها و شکاف عمیق میان گروه‌های مختلف قومی در یک جامعه باعث ایجاد و افزایش تضاد میان آنها می‌شود. (گر، ۱۳۷۷: ۱۶)

ج) تئوری‌های سیاسی - اجتماعی روابط بین قومی

یکی از تئوری‌های مهم در این زمینه، اندیشه‌ی «جهان وطن‌گرایی» است که ادعا می‌کند افراد با گرایش به این طرز تلقی از حیاط اجتماعی‌شان، می‌توانند خصومت‌های بین قومی را پشت سر گذاشته و با تمرکز بر انسان‌گرایی به تعادل بین قومی برسند. (برتون، ۱۳۸۰: ۱۶۷)

نظریه‌ی «سرمایه‌ی فرهنگی» بوردیو نیز به‌عنوان یکی دیگر از منابع فکری مرتبط با تبیین همگرایی بین اقوام مطرح است؛ زیرا از نظر بوردیو، از جمله مسائلی که تحت تأثیر میزان‌های سرمایه‌ی فرهنگی قرار می‌گیرد، کاهش تعصبات قومی و عارضی است؛ به این دلیل که با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی بر میدان‌های مشترک بین فردی افزوده می‌شود، تفاوت‌های فردی و قومی رنگ می‌بازد، تفکر و کنش عقلانی جایگزین کنش سنتی و حساب نشده می‌شود و به کاهش خصومت‌های قومی و افزایش همگرایی آنها می‌انجامد. (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۳۶) یکی دیگر از نظریات سیاسی بررسی شده، نظریه‌ی عوامل «ذهنی - عینی» راتچیلد و شابفلین بوده است. به‌طورکلی براساس نظریه‌ی فوق، هر قدر احساس هویت جامعه‌ی ملی، در زندگی جامعه‌ی ملی که بخشی از آن است، کمتر باشد سازمان سیاسی قومی، قویتر و هر قدر سازمان سیاسی قومی قوی‌تر باشد، ناسیونالیسم قومی نیرومندتر و هر قدر ناسیونالیسم قومی شدیدتر باشد، به تعصبات قومی و خاص‌گرایی افزوده می‌شود و میزان‌گرایی به همگرایی اقوام کاهش می‌یابد (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۳) بنابراین در این نظریه، ملی‌گرایی عامل اصلی همگرایی اقوام است. هم‌چنین رویکرد مبتنی بر اصل شهروندی (گریتز، ۱۹۶۳: ۱۵) با توجه به ادعای آن در مورد تأثیر‌گرایی به قانون‌گرایی بر کاهش خصومت‌های قومی و افزایش تبادلات فرهنگی و همگرایی اقوام، می‌تواند تبیین‌کننده مسأله‌ی همگرایی اقوام باشد. نظریه‌ی دیگری که همگرایی اقوام را ناشی از عوامل ساختاری و مدیریتی می‌داند، نظریه‌ی سیاسی ایسمن است (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۵) این رهیافت معتقد است: بروکراسی سیاسی - اجتماعی و اداری تنظیم شده از سوی دولتمردان اگر به همه گروه‌های قومی اقلیت، اجازه‌ی تحرک عمودی در عرصه‌ی سیاسی - اداری و شرکت در مناسبات اداری و

سیاسی در سطح مدیریت کشوری را بدهد، گرایش به قوم‌مداری و خاص‌گرایی کاهش یافته و به میزان همگرایی اقوام افزوده می‌شود. در چارچوب نظریات بومی منتشر شده درباره‌ی تعامل بین قومی و همگرایی آنها دو نظریه‌ی حمیداحمدی (۱۳۸۳) و یوسف‌ترابی (۱۳۸۹) قابل توجه است. این نظریه‌ها با توجه به میدان‌های مشترک محیطی به‌عنوان منابع اطلاعاتی مورد نیاز برای تبیین روابط بین قومی، قضایای مشترک زیادی با هم دارند. در یک نگاه جامع تر هر دو نظریه به دو علت اساسی به عدم همگرایی اقوام اشاره دارند. (صالحی، ۱۳۸۶: ۴۴) احمدی در قالب یک نظریه‌ی جامع، علت نبود همگرایی اقوام را ناشی از تأثیر نخبگان سیاسی، دخالت فرهنگی و سیاسی بیگانگان و ایجاد دولت مدرن طی سده‌های اخیر می‌داند. ترابی نیز به تأثیر نخبگان سیاسی و دخالت فرهنگی قدرت‌های خارجی در قالب عوامل فراملی مؤثر بر همگرایی اقوام اشاره دارد. هم‌چنین در میان نظرات احمدی درخصوص همگرایی به مفهومی به نام «شهروند ملی‌گرا» برمی‌خوریم که آن را نقشه‌ی راه تعامل میان گروه‌های زبانی معرفی می‌کند. با توجه به اشتراک نظر نظریه‌پردازان بومی و قرابت منطقی بیشتر این نظریه‌ها با اوضاع خاص تاریخی جامعه‌ی ایرانی، می‌توان با استفاده از این نظریه‌های تنظیم شده در داخل کشور بسیاری از مسائل داخلی را تبیین دقیق علمی کرد. پیداست که هرکدام از رویکردهای یاد شده صرفاً قادر به تبیین برخی از زوایای پدیده‌ی همگرایی و واگرایی هستند و هیچ‌کدام به خودی خود نمی‌توانند تصویری بی‌نقص از پویایی این موضوع عرضه کنند. مطالعه حاضر با اتکا به یک چارچوب نظری ترکیبی و برگرفته از دیدگاه‌های نظری پیش‌گفته بر جنبه‌ای از جوانب متکثر همگرایی و تأثیر آن بر امنیت پایدار، متمرکز شده و دستیابی به مدلی که ما را به سوی گزاره‌های عام تکرارشونده درباره‌ی پویایی‌های قومی رهنمون کند، جز با ترکیب مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار برگرفته از همه رویکردهای ذکر شده، میسر نیست. بنابراین با هدف وضوح بیشتر چارچوب نظری استفاده شده در این پژوهش، مدل نظری اولیه عرضه می‌شود. با توجه به مدل زیر مشخص می‌گردد که مجموعه‌ای از عوامل در همگرایی اقوام مؤثر هستند، لذا همگرایی در ایجاد و گسترش امنیت پایدار (که خود دارای سه مؤلفه مهم امنیت ملی و امنیت جهانی و امنیت انسانی) است، بسیار مهم است.



نمودار شماره ۱: مدل تحلیلی

فرضیات تحقیق

این پژوهش به دلیل گستردگی دامنه‌ی موضوعی، جامعیت نظری و تجربی، و تلاش برای کسب نتایجی با قدرت تبیین بالا، مهم‌ترین فرضیه‌های آن عبارتند از: بررسی تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سابقه‌ی ازدواج خویشان و دوستان یا شهروندان با افراد قوم دیگر، بررسی رابطه‌ی همگرایی اقوام با هر یک از ابعاد امنیت پایدار (امنیت انسانی، امنیت جهانی، امنیت ملی) بررسی رابطه‌ی بین همگرایی اقوام و احساس امنیت پایدار؛ تأثیر عوامل زمینه‌ای (سن، تحصیلات) بر همگرایی اقوام؛ میزان استفاده‌ی شهروندان از تولیدات فرهنگی و خبری رسانه‌های خارجی و میزان اعتماد به آنها دخالت نرم‌افزاری بیگانگان، میزان سرمایه‌ی فرهنگی، محرومیت نسبی، میزان گرایش به قانونمندی، میزان گرایش به ایرانی بودن، دین‌گرایی، احساس جهان‌وطنی، میزان تأثیر نخبگان قومی بر شهروندان، تصور شهروندان نسبت به میزان باز بودن فضای مشارکت سیاسی - اداری بر همگرایی اقوام است.

روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ نوع هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت داده کمی و به لحاظ اجرا از نوع پژوهش پیمایشی مقطعی است که با استفاده از پرسش‌نامه، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است. به نوعی که، سؤالات مربوط به اطلاعات زمینه‌ای با فرمت باز و دو ارزی و یا چند موردی و نیز متغیر همگرایی اقوام با استفاده از طیف بوگاردوس استاندارد شده و متغیرهای مستقل نیز با استفاده از طیف لیکرت ساخته شده توسط پژوهشگر، اندازه‌گیری شده است.

در این پژوهش، واحد تحلیل و واحد مشاهده فرد بود. جامعه آماری این تحقیق شهرهای دو قومیتی حوزه جنوبی استان ایلام (دهلران و موسیان) است و حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۴۷۳ نفر بدست آمد که برای اطمینان بیشتر به ۵۰۰ نفر افزایش پیدا کرد و شیوه نمونه‌گیری به صورت چند مرحله‌ای (خوشه‌ای برای انتخاب مناطق و نواحی و نمونه‌گیری تصادفی برای انتخاب افراد) بود و اما برای انتخاب نمونه در بین دو قوم با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری مطبق با توجه به جمعیت شهرها و سهم هر قوم ساکن در شهرهای دو قومیتی حوزه جنوبی استان ایلام (دهلران و موسیان) صورت گرفته است. در مجموع ۲۵۰ نفر از نمونه‌های انتخاب شده قوم کُرد و ۲۵۰ نفر نیز عرب زبان بوده‌اند. اطلاعات جمع‌آوری شده، نیز به شیوهی تحلیل آماری و با استفاده از نرم‌افزار آماری (SPSS) تحلیل شده است.

روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در ابتدا پرسشنامه مقدماتی تهیه شد و با مشورت و استفاده از نظرات صاحب‌نظران، اعتبار صوری ابزار تحقیق بدست آمد. برای اطمینان از پایایی یا قابلیت اعتماد از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین شکل که برای اطمینان از پایایی سؤالات و گویه‌های طراحی شده برای مفاهیم و ابعاد تحقیق، پرسشنامه اولیه در اختیار ۱۵ نفر از پاسخگویان نمونه قرار گرفت تا بر مبنای نتایج حاصله، نواقص احتمالی مرتفع گردد. نواقصی همچون نامفهوم بودن سؤالات، ابهام در ساختار جمعیت، دامنه سؤالات و قابل فهم بودن آن، ساخت پرسشنامه و میزان حساسیت پاسخگویان نسبت به سؤالات، آگاهی و شناخت پاسخگویان از ابعاد و شاخص‌های در نظر گرفته شده از جمله مسائل و موضوعاتی بود که در سنجش پایایی به آن توجه گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های تکمیل شده مقدار ضریب آلفای کرونباخ هر یک از متغیرها مورد محاسبه قرار گرفت. تنها آن شاخص‌هایی برای پژوهش نهایی حفظ شدند که مقدار ضریب آلفای کرونباخ آن بالاتر از ۷۰ صدم بوده است.

شیوهی سنجش متغیرها

در این بخش تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش مطرح شده است:
احساس امنیت پایدار: با توجه به واحد تحلیل، امنیت پایدار را می‌توان به دو شیوهی متفاوت اندازه‌گیری کرد: زمانی که واحد تحلیل کشور باشد می‌توان امنیت پایدار را

مستقیماً به وسیله‌ی اندازه‌گیری شاخص‌های آن در سطح جهان ارزیابی کرد، اما چنان‌که قبلاً اشاره شد واحد مشاهده و هم‌چنین واحد تحلیل در این پژوهش فرد بوده است؛ لذا باید در سطح خرد به مفهوم امنیت نگریست و آن را سنجید.

از دید جامعه‌شناختی احساس امنیت و امنیت پایدار یک تولید اجتماعی است؛ یعنی همه‌ی نهادهای اجتماعی در شکل‌گیری آن نقش ایفا می‌کنند این احساس ناشی از تجربه‌های مختلف مستقیم و غیرمستقیم افراد گوناگون است (بیات، ۱۳۸۸: ۱۵) براین اساس همان‌طور که اشاره شد مفهوم مؤلفه‌های امنیت پایدار از سه بعد براساس جدول ذیل و سنجه‌هایی اندازه‌گیری شده برخوردار است.

جدول شماره‌ی ۱: مفهوم مؤلفه‌های امنیت پایدار و شاخص‌های سنجش

عنوان	سنجه‌ها اندازه‌گیری شده
امنیت ملی	ثبات سیاسی، حفظ تمامیت ارضی، امنیت اجتماعی، حفاظت از استقلال و حاکمیت، امنیت اقتصادی و امنیت و آزادی فعالیت سیاسی
امنیت انسانی	رفع فقر و گرسنگی، خشونت خانوادگی، فساد و فحشا، تبعیض، تقویت هویت فردی، بهداشت، و امنیت از جنایات
امنیت جهانی	تروریسم، آلودگی هوا و گرم شدن زمین، انفجار جمعیت، کمبود آب، مواد مخدر، جنگ، مافیا و قاچاق انسان و بهداشت و سلامت جهانی

شاخصی که به وسیله مجموع این سنجه‌ها اندازه‌گیری شده، همان بعد ذهنی امنیت پایدار و یا احساس امنیت پایدار است که از دید شهروندان سنجیده شده است. **همگرایی اقوام:** به معنی میزان گرایش، دوستی، همکاری و تعامل صلح‌طلبانه‌ی داوطلبانه بین دو یا چند قوم است. برای اندازه‌گیری این مفهوم، از طیف بوگاردوس (فاصله‌ی اجتماعی) استفاده شده که نوع ایرانی آن قبلاً ساخته شده است (رفیع‌پور، ۱۳۶۰: ۲۱۹) این طیف براساس موقعیت فرهنگی - اجتماعی غرب کشور، بومی شده و به وسیله ۵ سنجه‌ی انباشتی ازدواج و روابط سببی، روابط خانوادگی و دوستی، همسایه بودن، هم‌شهری بودن و هم‌کشوری بودن سنجش شده است.

دخالت نرم کشورهای بیگانه: در عصر ارتباطات، دخالت نرم (سیاسی، فرهنگی و اجتماعی)، جایگزین دخالت‌های سخت‌افزاری شده است. دخالت نرم عمدتاً به وسیله‌ی رسانه صورت می‌پذیرد؛ لذا در این تحقیق دخالت بیگانگان دوباره مفهوم‌سازی شده و برای آن دو فرضیه تهیه شد: در فرضیه‌ی اول میزان استفاده‌ی

پاسخگویان از محصولات فرهنگی خارجی (تولیدات رسانه‌ای) و تأثیر آن بر همگرایی بررسی می‌شود از طرف دیگر با توجه به این عقیده که دیدن و شنیدن هر چیزی به معنای درونی شدن آن نیست، در جریان مفهوم‌سازی این متغیر، در قالب فرضیه‌ی دوم، میزان اعتماد پاسخگویان به این تولیدات سیاسی - فرهنگی خارجی و تأثیر آن بر میزان همگرایی قومی، آزمون خواهد شد.

ارتباطات فرهنگی: این نوع از سرمایه عبارت است از میزان اطلاعات و آگاهی‌های عمومی و علمی، سطح سواد و درجات علمی، میزان دسترسی و استفاده از منابع آگاهی‌بخش. برای عملیاتی کردن این مفهوم در پرسشنامه از سنجه‌هایی از قبیل: میزان استفاده از منابع و امکانات آگاهی‌بخش و محصولات صوتی و تصویری، روزنامه و مجلات، کتاب و مقالات، اینترنت، نشست‌ها و انجمن‌های مختلف، و سطح مطالعه و آگاهی نزدیکان استفاده شده است.

محرومیت نسبی: در این پژوهش، احساس محرومیت نسبی برون‌زا مدنظر بوده و آن عبارت است از احساس محرومیتی که از مقایسه‌ی فرد با اقوام دیگر به دست می‌آید، احساسی که ناشی از عملکرد و سازوکارهای خارجی و فارغ از ویژگی‌های فرد و یا گروه باشد. در تعریف عملیاتی آن، از سنجه‌های احساس محرومیت از لحاظ امکانات رفاهی، آموزشی و پرورشی، بهداشت و سلامت، زمینه‌های اقتصادی، کار و اشتغال، و میزان توجه و احترام به فرهنگ و آداب و رسوم استفاده شده است.

قانونمندی: قانونمندی به معنی رعایت بی‌قید و شرط اصول و قواعد مکتوب و منتشر شده در کشور است که از سوی قوه مقننه، شوراهای و مجالس مربوطه صادر می‌شود. برای اندازه گرفتن این مفهوم انتزاعی، از سه سنجه‌ی مرتبط استفاده شده که عبارت‌اند از: بیزاری از قانون‌شکن، منتفع بودن قانون‌گرایی و رعایت همه‌جانبه‌ی قوانین و اهمیت آن. ملی‌گرایی (ایرانی بودن): ملی‌گرایی به معنی گرایش به تقویت هویت ملی در برابر هویت‌های دیگر است. سنجه‌های این متغیر عبارت‌اند از: علاقه‌ی قلبی به ایران، دفاع از میهن در هنگام جنگ و افتخار کردن به تبار ایرانی و ایرانی بودن.

دین‌گرایی: دین‌گرایی در ایران درگرایش به دین اسلام خلاصه می‌شود؛ زیرا اکثریت قریب به اتفاق ایرانی‌ها مسلمان‌اند؛ گرایش به دین به معنی میزان اعتقادات و احترام و اجرای مناسک دینی است. این متغیر منتج از سه سنجه بیزاری از هتک حرمت قرآن، برادری هم‌کیشان و میزان اجرای مناسک دینی بوده است.

جهان‌وطنی: به گرایشی گفته می‌شود که با اتکا بر مفهوم انسان و انسان‌گرایی و با

نفی ارزش هرگونه تعلق قومی، هدف خود را آمیزش عمومی، فرهنگی و بیولوژیک اعلام کند تا بتواند تمام تقسیم‌بندی‌های جهانی را از میان بردارد؛ لذا کسانی که گرایش‌های جهان وطنی دارند نسبت به تیره، قومیت و زبان و فرهنگ خویش تعصب و تعلق خاطر بسیار ضعیف و شکننده‌ای دارند.

برای عملیاتی کردن این مفهوم از سه سنجه استفاده شده که شامل: بیزاری از مرز، وطن‌انگاری هر جای دنیا و در اولویت بودن انسان‌گرایی هستند.

فضای مشارکت سیاسی - اداری: این مفهوم در واقع به معنی قوانین و ساختار یارگیری نظام اداری و سیاسی کشور است؛ نظریه‌های زیادی به این امر پرداخته‌اند که باز بودن فضای مشارکت سیاسی و اداری و تصور اقوام نسبت به این فضا در میزان همگرایی قومی آنها تأثیر می‌گذارد؛ برای اندازه‌گیری این مفهوم، سه سنجه برابری قانون برای همه، شایسته‌سالاری و دوری از قوم‌گرایی در ساختار اداری و مشارکت حداکثری همه اقوام در مدیریت کشور به کار برده شده است.

تأثیر نخبگان قومی: نخبگان قومی کسانی هستند که فعالیت سیاسی دارند و برای جلب نظر قوم خویش به طرح مسائل قومی می‌پردازند. رفتار نخبگان سیاسی برای کسب قدرت و تأثیر آنها بر شهروندان می‌تواند از عوامل تأثیرگذار بر همگرایی قومی باشد. برای اندازه‌گیری متغیر تأثیر نخبگان قومی بر شهروندان از سنجه‌هایی مانند: آشنایی با افکار نخبگان، مثبت اندیش بودن نخبگان، شایسته بودن نخبگان برای مدیریت کشور، کارساز بودن دخالت آنها برای حل مشکلات و منفعت‌طلب بودن نخبگان (منفی)، استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

چنان‌که قبلاً اشاره شد حجم نمونه‌ی آماری این پژوهش ۵۰۰ نفر بوده است که ۲۵۰ نفر آنان عرب زبان و ۲۵۰ نفر نیز کردزبان در حوزه جنوبی استان ایلام بوده‌اند. از این تعداد ۶۴/۴ درصد مرد و ۳۵/۶ درصد باقیمانده زن بوده‌اند.

توزیع سنی پاسخگویان نیز به گونه‌ای بوده است که ۱۵ درصد زیر ۲۰ سال، ۶۷/۸ درصد بین ۲۰ تا ۴۵ سال و ۱۷/۳ درصد بیشتر از ۴۵ سال سن داشته‌اند. بررسی سطح تحصیلات پاسخگویان نشان داد که از بین آنها ۷/۲۱ درصد بی‌سواد بوده، ۱۳/۶ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۱/۴۴ درصد تحصیلات راهنمایی داشته و ۲۵/۴ درصد نیز اعلام کرده‌اند که تحصیلاتی در حد دبیرستان دارند و ۳۶/۳۲ درصد باقیمانده نیز تحصیلات

دانشگاهی داشته‌اند بررسی سابقه‌ی ازدواج برون‌گروهی نمونه‌ی آماری نیز نشان می‌دهد ۴۸/۴ درصد از پاسخگویان گفته‌اند هیچ موردی از دوستان و یا آشنایان را سراغ ندارند که ازدواج برون‌گروهی (بین قومی) کرده باشند و ۵۱/۶ درصد نیز اعلام کرده‌اند که از بین خویشان و آشنایانشان کسانی هستند که با افراد قوم دیگری ازدواج کرده (اصطلاحاً ازدواج برون‌گروهی یا برون قومی داشته‌اند) آنچه در هر پژوهشی نقش اصلی را بازی می‌کند سنجش متغیرهای اصلی است و گزارش توصیفی مقادیر آنها می‌تواند اطلاعات زیادی به خواننده انتقال دهد؛ در ادامه به گزارش توصیفی متغیرهای اساسی می‌پردازیم:

چنان‌که ذکر شد در این پژوهش میزان همگرایی اقوام به وسیله طیف بوگاردوس اندازه‌گیری شده که جدول ذیل آماره‌های آن را نشان می‌دهد.

جدول ۲: توزیع فراوانی افراد بررسی شده برحسب میزان همگرایی قومی

قومیت						شدت همگرایی بین اقوام
کل		عرب		کرد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	همگرایی اقوام
۱۶/۲	۸۱	۷/۸	۳۹	۸/۴	۴۲	بدون همگرایی
۸/۴	۴۲	۵	۲۵	۳/۴	۱۷	خیلی ضعیف
۴/۲	۲۱	۲/۲	۱۱	۲	۱۰	ضعیف
۹/۴	۴۷	۴/۴	۲۵	۵	۲۲	متوسط
۱۶/۴	۸۲	۸	۴۰	۸/۴	۴۲	زیاد
۴۵/۴	۲۲۷	۲۲	۱۱۰	۲۳/۴	۱۱۷	خیلی زیاد
۱۰۰	۵۰۰	۵۰	۲۵۰	۵۰	۲۵۰	کل

این مقیاس در یک طیف ۶ طبقه‌ای و در سطح بدون همگرایی تا همگرایی خیلی قوی گروه‌بندی شده است. چنان‌که جدول توزیع فراوانی نشان می‌دهد ۱۶/۲ درصد افراد هیچ‌گونه همگرایی نسبت به قوم دیگر نداشته‌اند؛ ۸/۴ درصد پاسخگویان از میزان همگرایی بسیار ضعیفی برخوردار بودند، هم‌چنین میزان ۹/۴ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که علاوه بر همشهری بودن می‌توانند با افراد قوم دیگر همسایه نیز باشند؛ اما ۱۶/۴ درصد گفته‌اند می‌توانند با افراد قوم دیگر ارتباط خانوادگی نزدیک برقرار کنند. در نهایت بیش از ۴۵/۴ درصد افراد پاسخگو گفته‌اند حتی حاضرند خودشان یا یکی از اعضای خانواده‌شان با افراد قوم دیگر ازدواج کنند که این معرف نهایت همگرایی قومی است.

بر اساس مقیاس بندی صفر تا صد، در مجموع میانگین گرایش به همگرایی اقوام در جنوب استان ایلام بسیار بالا بوده است (۷۶/۲۳٪) به طوری که بیش از نیمی از نمونه آماری، اعضای قوم دیگر را به صورت کامل پذیرفته و هیچ تفاوتی بین آنها و افراد قوم خودی قائل نمی‌شوند. با توجه به این که جامعه‌ی آماری این پژوهش، افراد دو قوم عرب و گُرد بوده‌اند، مقایسه‌ی میانگین میزان همگرایی بین این دو قوم صورت گرفته است. میانگین گرایش به همگرایی گردها ۷۷/۰۵٪ بیشتر، عرب‌ها ۷۵/۸۷٪ بوده است؛ لذا این تفاوت میانگین از نظر آماری معنی‌دار نبوده و قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری استان نیست ($p = ۰.۷۵$)

بررسی موردی نحوه‌ی پاسخگویی به گویه‌های مقیاس بوگاردوس این پژوهش، پژوهشگر را به یکی از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق سوق داد؛ به گونه‌ای که ۷٪ گردها و ۴٪ عرب‌ها اعلام داشته‌اند که حاضرند خودشان یا یکی از اعضای خانواده‌شان با افراد قوم دیگر ازدواج کنند، هم‌چنین حاضرند با آنها رابطه‌ی خانوادگی داشته و همسایه و همشهری آنها باشند. آنچه بسیار حائز اهمیت است این که این افراد با وجود پذیرش کامل و عینی اعضای قوم دیگر حاضر نبودند با اعضای قوم دیگر در یک کشور زندگی کنند. اگر با رویکرد روشی به این نتیجه پردازیم طبیعتاً درمی‌یابیم که وسیله‌ی اندازه‌گیری استفاده شده روایی مناسبی نداشته؛ اما با توجه به این که مقیاس استفاده شده، استاندارد و در ایران نیز به کار برده شده است، نسبت به بررسی وضعیت متغیرهای اساسی این دست از پاسخگویان اقدام شد که نتایج بسیار مهمی داشت. این بررسی نشان داد که این افراد سطح تحصیلات بسیار پایینی داشته و عموماً میانسال و پیر هستند، هم‌چنین در مقایسه با بقیه‌ی افراد بررسی شده، سرمایه‌ی فرهنگی کمتری نیز داشته‌اند. نقطه‌ی ثقل این بررسی این است که این افراد در مقایسه با دیگر افراد نمونه‌ی آماری به میزان بیشتری از رسانه‌ها و تولیدات فرهنگی خارجی استفاده کرده و به این رسانه‌ها اعتماد دارند و هم‌چنین میزان گرایش به ملی‌گرایی (ایرانی بودن) آنها بسیار کم بوده، درحالی‌که بسیار بیشتر از افراد نمونه‌ی بررسی شده، از نخبگان سیاسی قومی تأثیر می‌پذیرند. نکته‌ی اصلی این یافته‌ها این است که افرادی که آگاهی کمتری دارند با وجود این که به صورت عینی و عملی افراد قوم دیگر را پذیرفته‌اند به دلیل تأثیرپذیری زیادشان از نخبگان سیاسی قومی و نیز استفاده‌ی بسیار از رسانه‌های خارجی و اعتماد به تولیدات این قبیل رسانه‌ها میزان ملی‌گرایی (ایرانی بودن) آنها نیز کم بوده است در نتیجه این الگوی پاسخگویی به مقیاس بوگاردوس از سوی این قبیل افراد متأثر از افکار

القایی آن سوی مرزهاست که از جانب نخبگان سیاسی قومی بیرون از مرزها ارائه می‌شود. یکی دیگر از مفاهیم اساسی بررسی شده در این پژوهش مفهوم احساس امنیت پایدار است. این مفهوم در سه بعد امنیت انسانی، امنیت جهانی و امنیت ملی عملیاتی شده است؛ جدول شماره ۳ گویای آمارهای توصیفی این مفهوم است:

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی افراد بررسی شده برحسب میزان احساس امنیت پایدار و ابعاد آن

	امنیت پایدار		بعد امنیت ملی		بعد امنیت انسانی		بعد امنیت جهانی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
خیلی کم	۱	۵	۱/۴	۷	۴/۴	۲۲	۵/۶	۲۸
کم	۱۴/۲	۷۱	۷/۸	۳۹	۲۵/۶	۱۲۸	۲۳/۸	۱۱۹
متوسط	۴۱/۲	۲۰۶	۲۲	۱۱۰	۳۷/۸	۱۸۹	۴۰/۸	۲۰۴
زیاد	۳۳/۴	۱۶۷	۳۲/۴	۱۶۲	۲۴/۲	۱۲۱	۲۱/۶	۱۰۸
خیلی زیاد	۱۰/۲	۵۱	۳۶/۴	۱۸۲	۸	۴۰	۸/۲	۴۱
کل	۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۵۰۰
میانگین براساس مقیاس ۱۰ تا ۱۰۰	۶۶/۵۴		۸۶/۹۶		۵۵/۴۱		۵۷/۲۵	۵۷/۲۵

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی میزان احساس امنیت پایدار و ابعاد آن را نشان می‌دهد، طبق اطلاعات جدول بالا تنها ۱ درصد از افراد پاسخگو احساس می‌کنند امنیت پایدار در حد خیلی پایین است و ۱۴/۲ درصد نیز معتقدند امنیت پایدار در حد پایینی است، درحالی‌که ۴۱/۲ درصد آنها گفته‌اند احساس آنان در مورد امنیت پایدار در استان در حد متوسطی است. ۳۳/۴ درصد نیز امنیت پایدار را در سطح زیادی ارزیابی کرده و در نهایت ۱۰/۲ درصد اظهار داشته‌اند که میزان امنیت پایدار در حد بسیار زیادی است؛ اما چنان‌که ذکر شد احساس امنیت، سه بعد امنیت ملی، انسانی و جهانی دارد که طبق جدول بالا، میانگین امنیت ملی بیشتر از میانگین سایر ابعاد امنیت پایدار بوده است و در مرتبه بعد میانگین امنیت جهانی بیشتر از امنیت انسانی بوده است. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این پرسش است که با توجه به چارچوب نظری موجود، چه عواملی می‌تواند در تقویت همگرایی اقوام در استان ایلام تأثیرگذار باشد؟ لذا براساس چارچوب نظری و فرضیه‌های مشتق شده از آن، چند متغیر مستقل فرضاً تأثیرگذار بر همگرایی اقوام در بین پاسخگویان اندازه‌گیری شد. آماره‌ی میانگین

هر یک از متغیرهای مستقل اندازه‌گیری شده براساس مقیاس ۰ تا ۱۰۰ به دست آمد که مطابق این یافته‌ها، متغیر ملی‌گرایی و گرایش به قانونمندی به ترتیب بیشترین میانگین را در بین پاسخگویان داشته (۸۳/۵۴ و ۷۰/۰۸) متغیرهای میزان اعتماد به رسانه‌های خارجی و استفاده از آنها، به ترتیب با میانگین‌های (۳۰/۹۸ و ۳۸/۲۱) کمترین مقدار آماره‌ی میانگین را در بین پاسخگویان به خود اختصاص داده‌اند.

بخش دیگری از یافته‌های پژوهش مربوط به یافته‌های استنباطی است که به بررسی تجربی فرضیات ذکر شده می‌پردازد. با توجه به اهداف علی پژوهش، این بخش دو قسمت دارد: در قسمت اول به بررسی رابطه همگرایی اقوام و احساس امنیت پایدار و ابعاد آن پرداخته شده و در بخش بعدی به شناسایی عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی اقوام، به وسیله‌ی آزمون فرضیات ذکر شده، از طریق تحلیل چند متغیری رگرسیون چندگانه پرداخته شده است. نتایج بررسی تجربی رابطه‌ی بین همگرایی اقوام و امنیت پایدار و ابعاد آن به شرح جدول ۴ است.

جدول شماره ۴: رابطه بین همگرایی اقوام و احساس امنیت پایدار و ابعاد آن

متغیر مستقل	متغیر وابسته	احساس امنیت پایدار	بعد امنیت ملی	بعد امنیت جهانی	بعد امنیت انسانی
همگرایی اقوام	ضریب تأثیرگذاری	۰/۴۵۱**	۰/۳۴۵**	۰/۲۴۴**	۰/۲۹۴**
	سطح معنی‌داری (دوطرفه)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد نمونه	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰

** همبستگی در سطح معناداری ۰،۰۱ (دوطرفه)

چنان‌که جدول بالا نشان می‌دهد چون میزان P یا سطح معناداری هر چهار رابطه کمتر از ۰/۰۰۱ است، لذا این فرضیه که (بین همگرایی قومی و احساس امنیت پایدار رابطه معنی‌داری وجود دارد)، در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود و به همین خاطر می‌توان با احتمال خطای کمتر از ۰/۰۰۱ این رابطه را به کل جامعه‌ی آماری تعمیم داد. لذا در بین جامعه‌ی آماری ذکر شده در استان ایلام بین همگرایی اقوام گُرد و عرب و احساس امنیت پایدار رابطه‌ی معناداری وجود دارد و جهت آن نیز مثبت است به این صورت که با افزایش همگرایی اقوام، به میزان امنیت پایدار افزوده شده و با کاهش آن از احساس امنیت پایدار کاسته می‌شود.

هم‌چنین ضریب تعیین این رابطه ۰/۲۰۳ است، به این معنی که ۲۰/۳ درصد از

تغییرات متغیر وابسته (امنیت پایدار) را متغیر مستقل (همگرایی اقوام) تبیین می‌کند. هم‌چنین برای تعیین رابطه‌ی همگرایی اقوام با هر یک از ابعاد امنیت پایدار، سه فرضیه جزئی مطرح شده که در جدول ۳ به آزمون هر یک از آنها پرداخته شده است. در این فرضیه‌ها از آزمون همبستگی تفکیکی R پیرسون استفاده شده که رابطه‌ی خالص متغیرها را با هم سنجیده و مقدار ضریب تعیین خالص را نشان می‌دهد که در تفسیر این رابطه‌ها به آنها اشاره شده است. طبق نتایج گزارش شده در جدول ۴ همگرایی اقوام بر هر سه بعد امنیت پایدار تأثیر معناداری دارد و با توجه به نتایج به دست آمده، همه‌ی این تأثیرات به صورت مستقیم بوده و افزایش همگرایی اقوام به ترتیب اهمیت، باعث افزایش در میزان امنیت ملی با ضریب تعیین امنیت انسانی (با ضریب تعیین ۰/۱۱۹) و امنیت جهانی (با ضریب تعیین ۰/۸۶) می‌شود و امنیت جهانی (با ضریب ۰/۵۹) می‌شود. برای شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر تقویت همگرایی اقوام و جلوگیری از اطاله‌ی کلام، از بررسی روابط همبستگی دو به دوی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته خودداری شده و با توجه به ابعاد چندگانه همگرایی اقوام در این بررسی، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی فرضیات اصلی پژوهش استفاده شده است.

تحلیل رگرسیون چندگانه

در ابتدا باید خاطر نشان ساخت که برای شناخت تأثیرات همزمان مجموعه متغیرهای مستقل بر وابسته از رگرسیون چندگانه استفاده گردید. با توجه به این که بعضی از متغیرهای مؤثر بر همگرایی که در این پژوهش در مقیاس کیفی اندازه‌گیری شده‌اند، برای وارد کردن این متغیرها مقیاس آنها را به صورت تصنعی به مقیاس فاصله‌ای تبدیل کرده‌ایم یکی از شروط انجام تحلیل رگرسیون برقرار شد. هم‌چنین متغیرهای مستقل با هم هیچ‌گونه همپوشانی نداشته و با متغیر وابسته رابطه‌ی خطی دارند.

در ارتباط با متغیرهای فاصله‌ای با استفاده از آزمون K-S به بررسی توزیع نرمال داده‌ها پرداخته شد. و در ضمن مقدار دوربین واتسون نیز در حد قابل قبول (۱/۸۷) است که نشان می‌دهد توزیع فراوانی متغیرها و توزیع باقیمانده‌ها نیز نرمال بوده است. جدول ۴ نتایج رگرسیون همگرایی اقوام را براساس متغیرهای مستقل تحقیق در میان کل پاسخگویان نشان می‌دهد.

در نهایت سعی شده براساس نتایج تحلیل رگرسیونی، معادل‌هایی برای پیش‌بینی متغیر همگرایی اقوام تدوین و با استفاده از تحلیل مسیر مدل ضرایب تأثیرگذاری و

ضرایب مسیر آن، طراحی و گزارش شود. روش به کارگرفته شده متد ورود همزمان (Enter) متغیرهای مستقل به مدل است.

جدول شماره ۵: نتایج رگرسیون اثرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (همگرایی اقوام)

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد رگرسیون beta	t	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت		۳/۳۷۴	۰/۰۰۰
تأثیر نخبگان سیاسی	-۰/۱۳۹	۵/۳۰۵	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	۰/۱۱۷	۳/۲۹۸	۰/۰۰۰
دین‌گرایی	٪۹۷	۳/۴۲۱۴	۰/۰۰۰
تحصیلات	٪۹۴	۳/۲۵۴	۰/۰۰۰
ایرانی بودن	٪۸۱	۳/۰۰۱	۰/۰۰۱
بازبودن فضای سیاسی - اداری	٪۷۴	۲/۳۲۱	۰/۰۰۴
اعتماد به بسته‌های فرهنگی بیگانه	-٪۷۸	۲/۴۳۲	۰/۰۱۱
سابقه ازدواج نزدیکان قوم دیگر	٪۷۱	۱/۴۶۲	۰/۰۲۱
استفاده از بسته‌های فرهنگی بیگانه	-٪۴۲	۱/۴۶	۰/۰۳۱
سن شهروندان	-٪۳۴	-۲/۲۰۴	۰/۰۴۸
محرومیت نسبی	٪۱۲	۰/۵۹۴	۰/۵۴۴
گرایش به ایده جهان وطنی	۰/۰۰۷	۰/۲۳۸	۰/۸۴۵
نتایج تحلیل واریانس ANOVA	F	۱۲/۴۱۰	
		معنی‌داری	۰/۰۰۰
ضریب تعیین (میزان بتا)		۰/۸۲۷	
ضریب تعیین تعدیل شده Adjusted میزان بتا		۰/۸۰۵	

این جدول نشان می‌دهد که تحلیل رگرسیون چندگانه تا چه حد از لحاظ آماری معنادار بوده است. در تحلیل‌های رگرسیونی برای برآورد میزان معناداری از آماره f در تحلیل واریانس یک طرفه استفاده می‌شود. در این تحلیل مقدار آن ۱۲/۴۱ بوده و چون میزان P برابر است با ۰/۰۰۰ است؛ لذا این تحلیل در سطح اطمینان ۹۹ درصد از لحاظ آماری معنادار بوده و بسیاری از متغیرهای مستقل در نوسانات متغیر همگرایی اقوام تأثیر دارند که مقادیر خالص این تأثیرات نیز به صورت استاندارد، گزارش شده است.

هم‌چنین مقدار ضریب تعیین این تحلیل رگرسیون چندگانه در این بررسی ۰/۸۲۷ است و ضریب تعیین تعدیل شده به وسیله‌ی درجه‌ی آزادی برابر است با ۰/۸۰۵؛ به عبارت دیگر متغیرهای مستقل بررسی شده در این طرح در کل ۸۲/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. یعنی از کل فاکتورهای ایجاد و نوسان همگرایی اقوام ۸۲/۷ درصد تغییرات آن ناشی از وجود متغیرهایی است که در این پژوهش بررسی و شناسایی شده است.

برای ایجاد امکان مقایسه و هم‌چنین استفاده از این جدول برای طراحی مدل علی و تحلیل مسیر، مقدارهای BETA ذکر شده است که در واقع همان مقدار B است که به صورت استاندارد درآمده و قابلیت مقایسه پیدا کرده است. لذا در این آماره، مقیاس همه‌ی متغیرهای مستقل برابر است و از واحد اندازه‌گیری مشترکی برخوردار شده‌اند. با استفاده از این جدول و حذف متغیرهایی که تأثیرشان بر همگرایی اقوام معنی‌دار نبوده است، به تدوین یک معادله‌ی خطی برای پیشبینی متغیر (میزان گرایش به همگرایی اقوام) پرداخته شده که به صورت استاندارد ذکر شده است.

معادله استاندارد پیش‌بینی متغیر وابسته (همگرایی اقوام) به وسیله‌ی متغیرهای بررسی شده
سن ۰/۳۴+ تحصیلات ۰/۹۴+ سابقه ازدواج برون قومی ۰/۷۰+ استفاده از بسته فرهنگی بیگانه ۰/۴۲- اعتماد به بسته‌های فرهنگی بیگانه ۰/۷۸- سرمایه‌ی فرهنگی ۰/۱۱۷+ ملی‌گرایی (ایرانی بودن) ۰/۰۸۱+ دینگرایی ۰/۹۷۱+ بازبودن فضای سیاسی - اداری ۰/۰۷۴+ تأثیر نخبگان سیاسی ۰/۱۳۹- همگرایی اقوام.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی مطالعات و پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که پدیده‌ی امنیت پایدار و همگرایی اقوام متأثر از عوامل متعددی است، به صورتی که نوع تعامل و همزیستی اقوام مختلف در یک منطقه تنها قسمتی از عوامل ایجاد احساس امنیت پایدار به‌شمار می‌رود با توجه به پیشینه‌های نظری موجود، فاکتورهای دیگری از جمله سیاست خارجی، شیوه‌های حکومت داری، توسعه‌ی اقتصادی و بسیاری از عوامل دیگر بر ایجاد و تقویت پدیده‌ی امنیت پایدار تأثیرگذار هستند؛ اما با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی غرب کشور و تنوع قومی این منطقه، پرسشی که این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ آن بود، بررسی تأثیر همگرایی اقوام گرد و عرب بر احساس امنیت پایدار و به

دنبال آن شناسایی عوامل مؤثر بر همگرایی اقوام و تقویت آن بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که متغیر همگرایی اقوام بیش از $20/3$ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت پایدار را تبیین می‌کند. هم‌چنین بررسی رابطه‌ی همگرایی اقوام با ابعاد امنیت پایدار نیز نشان داده که همگرایی قومی بیشترین تأثیر را بر بعد امنیت ملی می‌گذارد. به این ترتیب که $11/9$ درصد از تغییرات امنیت ملی را تبیین می‌کند در مرحله‌ی بعدی همگرایی قومی بر بعد امنیت انسانی و امنیت جهانی تأثیر می‌گذارد که به ترتیب میزان تأثیر آن $8/6$ درصد و $5/9$ درصد است.

این بررسی نشان داد افرادی که سطح تحصیلات بسیار پایینی داشته و عموماً میانسال و پیر هستند، در مقایسه با بقیه‌ی افراد بررسی شده، سرمایه‌ی فرهنگی کمتری دارند نکته مهم آن‌که این افراد در مقایسه با دیگر افراد نمونه‌ی آماری، به میزان بیشتری از رسانه‌ها و تولیدات فرهنگی خارجی استفاده کرده و به این رسانه‌ها اعتماد بیشتری دارند و میزان گرایش به ملی‌گرایی (ایرانی بودن) آنها بسیار کم بوده است. این درحالی است که این افراد بسیار بیشتر از افراد نمونه‌ی بررسی شده، از نخبگان سیاسی قومی تأثیر می‌پذیرند.

یافته مهم این پژوهش آن است که افرادی که آگاهی کمتری دارند با وجود آن‌که به‌صورت عینی و عملی افراد قوم دیگر را پذیرفته‌اند (یعنی پذیرش و گرایش به همگرایی قومی در دنیای واقعی) اما به دلیل تأثیر پذیری بالایشان از نخبگان سیاسی قومی و استفاده‌ی زیاد از رسانه‌های خارجی و اعتماد به تولیدات این رسانه‌ها میزان ملی‌گرایی (ایرانی بودن) آنها نیز بسیار کم است. در نتیجه، این الگوی پاسخگویی به مقیاس بوگاردوس از سوی این دست افراد متأثر از افکار القابلی آن سوی مرزها از جانب نخبگان سیاسی قومی بیرون از مرزهاست و این نتیجه مهم‌ترین یافته‌ای است که از این پژوهش به دست آمده و بررسی بیشتر آن درخور پژوهش جامعی است.

بخش دیگر از یافته‌های این تحقیق متوجه شناسایی عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی اقوام بوده است. یافته‌های آزمون تجربی فرضیات حاکی از آن است که متغیرهای زمینه‌ای سن و تحصیلات رابطه‌ی معناداری با همگرایی اقوام داشته‌اند، به این ترتیب که با افزایش سن، میزان همگرایی قومی نیز کاهش یافته و با افزایش سطح تحصیلات بر میزان همگرایی قومی افزوده شده است؛ ولی متغیرهای دیگری از جمله جنسیت، میزان درآمد خانوار و نوع شغل پدر، تأثیر معنی‌داری بر گرایش به همگرایی اقوام نداشته‌اند. از عوامل اصلی مؤثر بر گرایش به همگرایی اقوام، بیشترین تأثیر را متغیر تأثیر

نخبگان سیاسی داشته است. براین اساس کسانی که تأثیر کمتری از نخبگان سیاسی قومی می‌گیرند میزان همگرایی قومی‌شان زیاد بوده است. از عوامل دیگری که به‌عنوان فاکتورهای تضعیف‌کننده‌ی همگرایی اقوام در استان ایلام میان دو قوم گُرد و عرب در این پژوهش شناسایی شده، استفاده و اعتماد به رسانه‌های خارجی و بسته‌های فرهنگی آنهاست که تحت عنوان دخالت نرم آمده است.

در کنار این، عوامل تقویت‌کننده‌ی شناسایی شده که بر میزان همگرایی اقوام تأثیر معنی‌داری می‌گذارند به ترتیب میزان اثرگذاری عبارتند از: سرمایه فرهنگی یا سرمایه‌ی شناختی آگاهی، دین‌گرایی و تعهد دینی، ملی‌گرایی (ایرانی بودن) و احساس باز بودن فضای سیاسی - اداری. همچنین کسانی که اعلام داشته‌اند که در بین خویشان و نزدیکان سابقه‌ی ازدواج برون‌گروهی (برون‌قومی) داشته‌اند بیشتر از دیگران به قوم دیگر گرایش نشان داده‌اند، در همین حال تأثیر متغیرهای احساس محرومیت نسبی و گرایش به جهان‌وطنی بر همگرایی اقوام معنی‌دار نبوده است. در مجموع می‌توان گفت تشویق سیاست‌های افزایش ارتباطات بین فرهنگی و کاهش تأثیرات رسانه‌های معاند فرامرزی با تقویت وسایل ارتباط جمعی داخلی می‌تواند تا حدود زیادی از تأثیرات نخبگان قومی افراطی بکاهد و فضای بهتری برای افزایش همگرایی و کاهش واگرایی در بین گُردها و عرب‌ها در استان ایلام ایجاد کند.

هم‌چنین با تغییرات دموگرافیک و به‌ویژه سنی جمعیت، می‌توان به کاهش اثرگذاری نخبگان قومی امیدوار بود، امری که در درازمدت می‌تواند یکی از موانع بر سر راه همگرایی اقوام را در کشور مرتفع سازد.

منابع

- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ صادقی، نقدعلی؛ زهرا، رهبرقاضی (۱۳۹۲)؛ «بررسی رابطه‌ی مصرف رسانه‌ای و انسجام اجتماعی (مطالعه موردی جوانان شهر تبریز)»، *فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی*، دوره‌ی ۱، ش ۱۱، صص ۹-۱۳.
- امین‌بیدختی، علی‌اکبر؛ شریفی، نوید (۱۳۹۱)؛ «بررسی نقش مداخله‌گرایانه سازه سرمایه اجتماعی در رابطه بین دینداری و احساس امنیت اجتماعی»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، س ۱، ش ۳، صص ۱۳-۳۸.
- ای.لیک، دیوید؛ ام.مورگان، پاتریک (۱۳۸۱)؛ *نظم‌های منطقه‌ای: امنیت‌سازی در جهانی نوین*، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برژینسکی، زیگنیو (۱۳۶۹)؛ *در جستجوی امنیت ملی*، ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران: نشر سفیر.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)؛ *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، عبدالرسول؛ جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)؛ *فرهنگ واژه‌ها*، تهران: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۲۹.
- پورجعفر، محمدرضا؛ محمودی‌نژاد، هادی (۱۳۸۸)؛ *طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای عمومی شهری*، تهران: انتشارات هله.
- تهامی، سیدمجتبی (۱۳۸۴)؛ *امنیت ملی، دکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی*، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- تودار، مایکل (۱۳۶۸)؛ *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، ج ۱، چ ۷، تهران.
- ساوج، مایک؛ وارد، آلن (۱۳۸۰)؛ *جامعه‌شناسی شهری*، ترجمه ابولقاسم پوررضا، تهران: انتشارات سمت.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۸)؛ *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.
- ----- (۱۳۹۲)؛ *طرح پیشنهادی توسعه فضایی منظومه‌های روستایی کشور*، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، تهران.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)؛ *نظریه‌های امنیت*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- علایی، حسین (۱۱۹۱)؛ «امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران»، *تشریح راهبردی دفاعی*، دوره ۱۱، صص ۱-۳۴.
- عنذلیب، علیرضا؛ مطوف، شریف (۱۳۸۸)؛ «توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران»، *فصلنامه باغ نظر*، س ۶، ش ۱۲، پاییز و زمستان، صص ۵۷-۷۶.
- قهرمانی، علی؛ هاشمی، حیدر (۱۳۸۸)؛ *بررسی تأثیر همگرایی ملی در امنیت پایدار با تأکید بر استان آذربایجان غربی*، فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی دفتر تحقیقات کاربردی (مجموعه مقالات برگزیده‌ی اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه).
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)؛ *جهانی‌شدن و جهان سوم*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۵۲)؛ *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*، تهران: نشر قومس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)؛ *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۶۶)؛ *شهریار*، ترجمه داریوش آشوری، تهران: نشر پرواز.
- متقی، افشین؛ کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۴)؛ «رابطه امنیت زیست محیطی با امنیت ملی (مطالعه موردی بیوتوریزم)»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، س ۲۲، ش ۸، صص ۷۵-۱۰۰.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰)؛ *امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس: جغرافیای سیاسی دریایی*، ترجمه امیرمسعود اجتهادی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- محسنی تیریزی، علیرضا؛ قهرمانی، سهراب؛ یاهک، سجاد (۱۳۹۰)؛ فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت مطالعه موردی فضاهای بی‌دفاع شهر تهران، *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۴، صص ۷۰-۵۱.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)؛ *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)؛ *تحولات قومی در ایران (علل و زمینه‌ها)*، مؤسسه مطالعات ملی.
- مک‌کین‌لای، آردی (۱۳۸۰)؛ *امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها*، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هابرماس یورگن (۱۳۸۰)؛ *نظریه کنش ارتباطی جهان زیست و نظام*، ترجمه کمال پولادی.
- هارل، اندرو (۱۳۸۰)؛ *نامنی جهانی: بررسی چهره دوم جهانی‌شدن*، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ونت، الکساندر (۱۹۶۹)؛ *ساخت‌های اجتماعی سیاست قدرت*، در: لن‌کلیر، اندرو (۱۳۸۵)؛ *جامعه و همکار*، در روابط بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- Acharya. Amitav (1997); *The periphery as the Core: The Third World and Security Studies*, in: *KEITH KRAUSE AND MICHAEL, C.WILLIAMS, Critical Security Studies: Concepts and Cases*, London, UCL Press.
- Blackburn, William R. (2007); *The Sustainability Hand Book*, UK: Cromwell Press.
- Booth, ken (1997); *Security and Self: Reflection of a Fallen Realist*, in: *Krause, Krause. And Williams, Michael C. Critical Security Studies: Concepts and Cases*, London, University College London press.
- Booth. Ken and vale, Peter (1997); *Critical Security Studies and Regional Insecurity: The Case of Southern Africa*, in: *Krause, Krause and Williams, Michael C. Critical Security Studies: Concepts and Cases*, London, University College London press.